خط زرد

توصیه های پلیس برای پیشگیری از راهزنی جاده ای

- الزام به همراه داشتن کمک راننده برای حمل محموله های حجیم و گران قیمت
- نصب و فعال بودن جی پی اس روی خودروهای سنگین باری
- نصب سوئیچ مخفی برای خودرو و فعال کردن آن در زمان توقف و استراحت
- به هنگام حرکت از مبدأ تا مقصد باید ساعت حرکت و مسیر حرکت خود را به پایانه و خانواده خود اطلاع دهند.
- توقف در مکان های مطمئن، روشن و پرتردد و توقف نکردن در مسیرهای انحرافی و جاده های خلوت، تاریک و کم تردد.
- به همراه داشتن شماره تلفن مالک محموله یا نماینده تولید کننده کالا برای مواقع ضروری
- نگارش شماره سریال کالا یا برند آن در اوراق بارنامه برای ردیابی اموال
- در صورت امکان، شرکت ها به گونه ای برنامه‌ریزی کنند که دو یا چند خودرو که مقصد آن ها یکی بوده یا مسیر مشترکی دارند، همزمان بارگیری و حرکت کنند.
- رانندگان قبل از حرکت به نحوی برنامه ریزی کنند که هنگام شب و زمان استراحت به شهرها و مناطق روشن رسیده باشند.

سرهنگ بوستانی
رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ازمیان خبرها

سارق بنزین باک خودروهای کرج به دام افتاد!

فرمانده انتظامی شهرستان کرج از دستگیری سارقی خبر داد که از داخل باک خودروها بنزین سرقت می کرد.

به گزارش ایسنا، سرهنگ "محمد معظمی گودرزی" در تشریح این خبر گفت: در پی دریافت خبری مبنی بر سرقت بنزین از داخل باک خودروها توسط فردی در محدوده خرمدشت کرج، موضوع در دستور کار ماموران کلانتری ۴۱ خرمدشت قرار گرفت. وی افزود: ماموران با انجام اقدامات پلیسی متوجه شدند متهم از سارقان سابقه دار بوده که به تازگی از زندان آزاد شده است و برای تامین هزینه اعتیاد خود اقدام به سرقت می کند.

سرهنگ معظمی گودرزی گفت: ماموران پس از شناسایی مخفیگاه متهم با تعقیب و مراقبت وی در نهایت طی یک عملیات غافلگیرانه و هنگامی که متهم در حال سرقت بنزین از داخل باک خودرو بود وی را دستگیر کردند و به کلانتری انتقال دادند. این مقام انتظامی ادامه داد: در تحقیقات تکمیلی متهم به ۱۰ فقره سرقت به همین روش اعتراف کرد و در این خصوص پرونده تشکیل و به پلیس آگاهی استان ارسال شد. فرمانده انتظامی شهرستان کرج به شهروندان توصیه کرد: با تجهیز خودروهای خود به لوازم بازدارنده از سرقت خودروهای شان پیشگیری کنند.

حکم دادگاه صادر شد

طناب دار در انتظار «گرگ شهر»

اختصاصی خراسان

تصویر متهم پس از درگیری مسلحانه در بیمارستان

عکس ها اختصاصی از خراسان

سجادپور- مرد سابقه دار و خطرناکی معروف به «گرگ شهر» که با عناوین اتهامی متعدد تحت تعقیب پلیس و دستگاه قضایی قرار داشت، در حالی به قصاص نفس و تحمل زندان محکوم شد که هنگام دستگیری با اصابت چهار گلوله به شدت مجروح شده بود!

به گزارش خراسان، «گرگ شهر» که دارای هشت فقره سوابق کیفری است سال ۹۴ و در حالی که پس از محکومیت در یک پرونده نزاع متواری شده بود ردپای او در سرقت خودروهای زانتیا نیز نمایان شد و بدین ترتیب از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی هم تحت تعقیب قرار گرفت.

اگر چه برخی از اعضای این باند سرقت در مشهد دستگیر شدند اما «گرگ شهر» همچنان با تغییر محل های اختفای خود به خلافکاری هایش ادامه می داد.

■ **جنایت مسلحانه**

هنوز بررسی های پلیس درباره این متهم خطرناک به سرانجام نرسیده بود که او اخر مهر سال ۹۴ جنایتی هولناک در منطقه شیرحصار مشهد رخ داد.

آن روز مأموران کلانتری سلطان آباد در جریان تیراندازی سرنشینان یک دستگاه پژو ۲۰۶ به سوی اموی ام سواران قرار گرفتند و به جاده روستای شیرحصار عزیمت کردند. شیشه عقب خودروی اموی ام ۱۱۰ شکسته شده و خون زیادی روی صندلی ریخته بود. در همین حال فردی که خود را از سرنشینان اموی ام معرفی می کرد به مأموران گفت: از سوی سرنشینان پژو ۲۰۶ مورد حمله مسلحانه قرار گرفته اند که در این میان جوان ۳۰ ساله ای به نام «الف» با اصابت گلوله مجروح و به بیمارستان طالقانی منتقل شده است.

تصویر گرگ شهر پس از درگیری مسلحانه با پلیس در مخفیگاه

بنابراین گزارش، در بررسی های بیشتر پلیس چهار متهم در این باره دستگیر شدند و یک دستگاه پراید هاچ بک خون آلود نیز توقیف شد. تحقیقات مشخص کرد که پراید مذکور سرقتی است و افراد تحت تعقیب در این پرونده جنایی نیز از سارقان حرفه ای هستند. این در حالی بود که یکی از متهمان دستگیر شده که ۱۱ فقره سابقه کیفری دارد علت این نزاع خونین مسلحانه را وجود یک زن اعلام کرد اما متهم دیگری که به اتهام مشارکت در سرقت دستگیر شده بود ماجرای دیگری را مطرح کرد. او گفت: یکی از طرف های مقابل حدود ۲۰ کیلوگرم مایع ساخت شیشه (مواد مخدر صنعتی) را بیرون ریخت که همین موضوع منجر به ناراحتی طرف دیگر شد و این گونه نزاع مسلحانه رخ داد. اما یکی دیگر از متهمان سابقه دار از حمله «گرگ شهر» به اموی ام سواران خبر داد و گفت: در باغ ویلای یکی از دوستانمان بودیم که «ج» (معروف به گرگ) با «ف» تماس گرفت و به صورت تلفنی با هم مشاجره کردند. فردی که آن سوی خط بود اظهار کرد: «الان برای دعوا می آیم!» سپس «ف» به ما گفت: زن ها را بیرون ببرید که اتفاقی برای شان نیفتد!!

وقتی ما سوار بر اموی ام قصد خروج از محل را داشتیم ناگهان گرگ شهر به همراه جوان دیگری به نام «ش» رسیدند و با اسلحه شکاری کمر شکن به سوی ما شلیک کردند که «الف» مجروح شد و چند روز بعد در بیمارستان طالقانی جان سپرد. گزارش خراسان حاکی است، پس از وقوع این جنایت پرونده ای نیز در اداره عملیات ویژه پلیس مشهد گشوده شد و تلاش ها برای دستگیری «گرگ شهر» ادامه یافت.

■ **پیگیری پرونده طلاهای تقلبی**

در حالی که تلاش پلیس با صدور دستورات قضایی از چند شعبه دادسرا برای دستگیری گرگ شهر وارد مرحله جدیدی شده بود، کارآگاهان اداره عملیات ویژه همزمان با پیگیری پرونده ساخت و فروش طلاهای تقلبی با فاکتورهای جعلی در مشهد به سرنخ هایی رسیدند که نشان می داد، «گرگ شهر» نیز در این ماجرا نقش دارد بنابراین آن ها با انجام یک سری تحقیقات غیرمحسوس، اعضای این باند را زیر نظر گرفتند و با دستگیری برخی از متهمان مشخص شد که زن جوانی قصد دارد با یک مدرک جعلی به ملاقات یکی از محکومان این باند در زندان مشهد برود به همین دلیل کارآگاهان با نظارت مستقیم سرهنگ حمید رزمخواه (رئیس وقت پلیس آگاهی خراسان رضوی) و کسب دستورات ویژه از معاون دادستان مشهد، شرایط ملاقات این زن با محکوم مذکور را فراهم کردند و سپس با اطلاعات به دست آمده، این زن جوان را در حالی دستگیر کردند که از داخل کیف وی فاکتور جعلی و طلاهای تقلبی کشف شد.

■ **درگیری مسلحانه گرگ شهر و پلیس**

بررسی های دقیق کارآگاهان عملیات ویژه پلیس آگاهی خراسان رضوی که با راهنمایی های شبانه روزی قاضی حیدری (معاون وقت دادستان) همراه بود نشان داد که «گرگ شهر» نیز در این ماجرا نقش دارد و قرار است در ملاقاتی مخفیانه با دیگر اعضای باند حضور یابد. به همین دلیل این پرونده در حالی حساس تر شد که کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی نیز به سرنخ هایی از مخفیگاه «گرگ شهر» دست یافته بودند. بنابراین عملیات هماهنگ اطلاعاتی در چند شاخه پلیسی متمرکز شد اما با توجه به مسلح بودن «گرگ شهر» و احتمال درگیری مسلحانه، قاضی «حیدری» دستور داد تا کارآگاهان با رعایت جوانب امنیتی و به طور غافلگیرانه وارد عملیات دستگیری شوند.

وقتی کارآگاهان محل اختفای متهم خطرناک را در منطقه بولوار شهید رستمی مشهد به محاصره درآوردند ناگهان «گرگ شهر» که متوجه حضور پنهانی پلیس در محل شده بود، دست به سلاح برد و برای فرار از چنگ قانون به سوی کارآگاهان شلیک کرد. در این حال کارآگاهان نیز پس از دادن اخطارهای قانونی وارد مخفیگاه وی شدند و با شلیک چهار گلوله او را داخل راهروی منزل نقش بر زمین کردند. «گرگ شهر» بلافاصله به مرکز درمانی انتقال یافت و تحت درمان قرار گرفت اما هیچ کدام از گلوله ها به نقاط حساس بدن وی اصابت نکرده بود. این در حالی بود که دو متهم دیگر از همدستان وی نیز در این پاتوق دستگیر شدند و در بازرسی از مخفیگاه آنان دو قبضه کلت جنگی، مواد مخدر صنعتی، فاکتورهای جعلی طلا و... کشف و ضبط شد.

■ **ماجرای زخمی شدن «گرگ شهر»**

بنابراین گزارش، بررسی های پلیس درباره پرونده ها و سوابق دیگر «گرگ شهر» و با توجه به اعترافات متهمان دیگری که قبلاً دستگیر شده بودند، مشخص کرد، وی در یک درگیری با فرد دیگری که «ع» نام دارد با اصابت دو گلوله مجروح شده بود اما خود در همان حالت خون ریزی شدید به منطقه احمدآباد مشهد کشانده و فرد دیگری گلوله ها را از بدن وی خارج کرده است. همچنین تحقیقات بیشتر بیانگر آن بود که نزاع گرگ شهر و «ع» نیز در ماجرای سرقت خودرو رخ داده است که بررسی ها درباره جرایم و سوابق دیگر وی با صدور دستورات ویژه قضایی ادامه یافت.

■ **«گرگ شهر» بیمارستان را به هم ریخت**

بنابراین گزارش، با انتقال این متهم خطرناک به بیمارستان ثامن الائمه(ع) مشهد، وی بلافاصله تحت درمان قرار گرفت و با وجود آن که گلوله ها به نقاط حساس بدن وی اصابت نکرده بود، با تلاش کادر درمانی، زندگی دوباره یافت و از مرگ نجات پیدا کرد اما او در همین حال نیز به جرایم خود ادامه داد و با تخریب اموال دولتی، نظم بیمارستان را نیز به هم ریخت که در نهایت با حدود هفت عنوان اتهامی در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد روبه رو شد.

■ **صدور حکم قصاص نفس**

گزارش خراسان حاکی است، با تکمیل تحقیقات در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، کیفرخواست این پرونده با عناوین اتهامی متعدد صادر شد اما از آن جایی که رسیدگی به اتهامات این فرد و دیگر همدستانش از اهمیت ویژه ای برخوردار بود، این پرونده با صدور دستوری از سوی مقامات قضایی استان، به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد و توسط قضات زبده این شعبه مورد رسیدگی دقیق قرار گرفت. «ج» معروف به «گرگ شهر» در چندین جلسه دادگاه که به ریاست قاضی مصطفی بنده ای و مستشاری قاضی محمد شجاع پور فدکی برگزار شد پای میز محاکمه نشست و به سوالات فنی و تخصصی قضات با تجربه دادگاه پاسخ داد. او اگرچه تلاش کرد تا با داستان سرایی های خاص، حقیقت ماجرای تلخ جنایت مسلحانه را به بیراهه بکشاند اما هر بار سوالات دقیق قضایی، او را در مخمصه ای گرفتار می کرد که به ناچار لب به اعتراف می گشود. بنابراین گزارش در نهایت قضات دادگاه شعبه پنجم کیفری یک استان خراسان رضوی با اخذ آخرین دفاعیات متهم ۴۳ ساله و وکیل مدافع، به شور پرداختند و به اتفاق آرا او را به قصاص نفس و تحمل زندان محکوم کردند. در این رای که به وکلای طرفین پرونده ابلاغ شده و قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است، اتهامات «ج» و همدستانش زیر ذره بین قضاوت قرار گرفته و با قراین و شواهد مستندی که چون دانه های زنجیر به یکدیگر ارتباط یافته اند، احکام قاطعی با استناد به مواد قانونی، صادر شده است.

در امتداد تاریکی

ماجرای نقره های سرقتی!

وقتی تصویر سرویس نقره ام را در سایت دیوار دیدم که برای فروش گذاشته بودند از تعجب چشمانم گرد شد. حیرت زده چند بار به تصویر نقره ها نگاه کردم آن عکس را بزرگ می کردم تا خوب ریزه کاری هایش را ببینم باورم نمی شد به همین دلیل بلافاصله سراغ کیف نقره هایم رفتم.

آن جا بود که فهمیدم...

این ها بخشی از اظهارات زن ۲۲ ساله ای است که به اتهام سرقت جواهرات و ترک انفاق از همسرش شکایت کرده بود. این زن که ادعا می کرد همسر معتادش با سرقت لوازم برقی منزل او را بدون پرداخت هزینه های زندگی رها کرده است درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گفت: حدود سه سال قبل در یک دیدار خیابانی با «احمد» آشنا شدم. خیلی زود این آشنایی ساده به ابراز عشق و علاقه کشید و بدین ترتیب ارتباط های پنهانی من و او آغاز شد. اما احمد نه سربازی رفته بود و نه شغلی داشت. به همین دلیل وقتی به خواستگاری ام آمد پدر و مادرم بلافاصله با این ازدواج مخالفت کردند. پدرم حتی به ظاهر احمد مشکوک شده بود و اعتقاد داشت او علاوه بر بیکاری به مصرف مواد مخدر نیز آلوده است اما من که به او دل باخته بودم این حرف ها را باور نمی کردم در واقع چشمانم را به روی حقیقت بستم تا کسی به او تهمت نزند. با وجود این روزی احمد تلفنی با من تماس گرفت و ادعا کرد به خاطر مخالفت های خانواده ام صلاح نیست با یکدیگر ازدواج کنیم و سپس از من خواست برای آخرین بار و به منظور خداحافظی نزد او بروم. اما آن روز وقتی با یکدیگر در خلوت نشسته بودیم وسوسه های شیطانی سراغمان آمد و... پدر و مادرم وقتی ماجرا را فهمیدند برای حفظ آبروی خودشان و به ناچار با ازدواج ما موافقت کردند اما بیکاری همسرم بعد از ازدواج نیز ادامه یافت و از سوی دیگر به خاطر اعتیادش تا پاسی از شب در پاتوق های استعمال مواد مخدر بود. او سپیده دم به منزل می رسید و تا بعد از ظهر می خوابید. در هر شغلی که به زحمت به دست می آورد نمی توانست بیشتر از دو سه روز دوام بیاورد از طرفی هم سرباز فراری بود و در جایی استخدام نمی شد در حالی که فرزندم به دنیا آمده بود با مشکلات شدید اقتصادی روبه رو بودیم تا جایی که برای پرداخت اجاره منزل و تامین بخشی از هزینه های زندگی مجبور شدم گوشی تلفن همراهم را بفروشم ولی باز هم اقساط وام ازدواجمان به تاخیر افتاده بود و من با سختی های زیادی دست و پنجه نرم می کردم. اگرچه مادرم به طور پنهانی اندکی کمک مالی می کرد ولی من به دلیل ماجرای ازدواجم با احمد از نگاه کردن به چشمان پدرم شرم داشتم چرا که بهترین خواستگارم را به خاطر احمد از دست داده بودم و اکنون در فلاکت و بدبختی زندگی می گذراندم به طوری که نمی توانستم مخارج فرزند کوچکم را تامین کنم. این در حالی بود که اعتیاد همسرم روز به روز بیشتر می شد و او برای تامین هزینه های خرید مواد دست به سرقت جهیزیه ام می زد. او لوازم برقی منزل را به بهای اندکی به مالخران می فروخت تا مخارج اعتیادش را تامین کند. روزگارم سیاه شده بود ولی هیچ کاری از دستم ساخته نبود تا این که چند روز قبل تصویر سرویس نقره ام را در سایت دیوار دیدم که برای فروش گذاشته بودند وقتی فهمیدم آن تصویر نقره هایم است به شماره تلفن فروشنده دقت کردم تازه متوجه شدم که همسرم آن ها را برای فروش گذاشته است با وجود این او با بی شرمی موضوع را انکار می کرد و مدعی بود شماره تلفن اش را به اشتباه گذاشته اند. اما در نهایت ماجرا را پذیرفت و گفت: وقتی اوضاع زندگی ام تغییر کند هم وزن این نقره ها برایت طلا می خرم ولی من می دانستم که همسرم فقط دروغ سرهم می کند تا هزینه های اعتیادش را تامین کند به همین دلیل با یکدیگر به مشاجره پرداختیم و من از او خواستم نقره هایم را باز گرداند. اما همسرم با همین بهانه منزل را ترک کرد و سراغ یکی از دوستانش رفت که مانند خودش معتاد و بیکار است. آن ها در مکان نامعلومی با یکدیگر هم بساط شدند و مرا که باردار هستم با فرزند کوچکم تنها رها کرده است اکنون نیز مرا تهدید می کند تا زمانی که جنینم را سقط نکرده ام به منزل باز نمی گردد اما ای کاش... شایان ذکر است به دستور سرهنگ عباس زمینی (رئیس کلانتری سپاد) بررسی این پرونده توسط مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

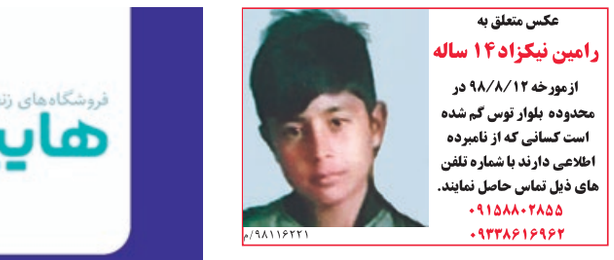

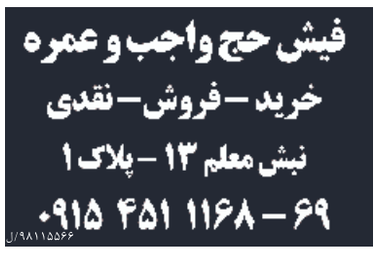

ردیف	شماره	موضوع مناقصه	رشته و پایه پیمانکار	برگزار کننده	مبلغ ضمانتنامه(ریال)	مبلغ برآورد (ریال)	آخرین مهلت تحویل پیشنهادات
۱	۵۶۷	انجام خدمات راهبری قطارهای برقی و راهبری پایانه در خطوط شرکت بهره برداری قطار شهری مشهد به صورت حجمی	حداقل رتبه ۷ گواهینامه تایید صلاحیت و رتبه بندی شرکتهای خدماتی و پشتیبانی، فنی و مهندسی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی	شرکت بهره برداری قطارشهری مشهد	۳،۳۱۵،۴۱۶،۸۳۰	۶۶،۳۰۸،۳۳۶،۶۰۰	۹۸/۰۹/۲۷